

لیگ ایران

اصل ماجرا

پرونده‌ای برای بررسی تفاوت تأمین هزینه‌ها در فوتبال ایران و اروپا

فصل نقل و انتقالات تابستانی، بی‌ربط‌ترین بخش به کلیت فوتبال ایران است. برای ۹ ماه در سال، باشگاه‌ها مدام از بی‌پولی می‌نالند و بر بساطی تکیه می‌کنند که حتی آه هم جزو دارایی‌هایش نیست، اما پنجره نقل و انتقالاتی که باز می‌شود، چنان تب‌وتابی برای امضای قراردادهای میلیاردي از راه می‌رسد و چنان از آسمان اسکناس می‌بارد که انگار باشگاه‌ها به منابعی لایزال متصل شده‌اند. در مورد فوتبال ایران باید کدام تصویر را باور کنیم؟ آن حساب‌های خالی میانه‌های فصل، محرومیت‌های بین‌المللی و پرونده‌های شکست‌خورده را؟ یا این ریخت‌وپاش‌های تابستانی را؟ برخلاف آنچه مدبران فوتبال ایران فکر می‌کنند، تابستان خیلی زود تمام می‌شود و پشت سرش، موجی از تعهد و بدهی باقی می‌ماند. در فوتبال ایران اما یک اصل هیچ‌وقت ترک نمی‌شود: «طوری خرید کن که انگار فردایی وجود ندارد و طوری زُست مظلومیت بگیر که انگار دیروزی وجود نداشته است!»



بیرانوند و آل کنیر از چهره‌های ویژه نقل و انتقالات این فصل بوده‌اند؛ اولی از استقلال پیشنهاد ۱۰۰ میلیاردی داشت و دومی هم با انتقالی جنجالی از پرسپولیس راهی سپاهان شد

این پول از کجا می‌آید؟

اگر از خبر پیشینه‌ها ۱۰۰ میلیاردی باشگاه استقلال به علیرضا بیرانوند شوکه شدید، احتمالا جریان روز فوتبال ایران را به شکل جدی دنبال نمی‌کنید؛ چراکه در همین پنجره چند باشگاه برای خرید چند بازیکن، بین ۵۰ تا ۷۰ میلیارد تومان هزینه کرده‌اند. یعنی هزینه خرید یک بازیکن به‌تنهایی از مجموع درآمدهای باشگاه بیشتر بوده است. حالا به این سؤال مهم می‌رسیم که اساسا چنین پولی از کجا می‌آید؟ بخش عمده باشگاه‌های فوتبال ایران تقریباً دولتی هستند و بسیاری از این باشگاه‌های دولتی نیز به صنایع مختلف تعلق دارند؛ باشگاه‌هایی که به‌نظر می‌رسد فقط روی کاغذ خصوصی شده‌اند! این صنایع هر سال بودجه‌ای را به فوتبال اختصاص می‌دهند. تیم‌هایی مثل سپاهان، فولاد، گل‌گهر و مس رفسنجان تیم‌هایی هستند که معمولاً مشکلی برای انجام هزینه‌های قابل‌توجه ندارند. جالب اینجاست که به‌صورت هم‌زمان، تیم‌های نفتی از هزینه کردن در ورزش قهرمانی منع شده‌اند و هر سال با مشکلات مالی پرشماری دست و پنجه نرم می‌کنند. پرسپولیس و استقلال هم با وجود دولتی بودن، بودجه خاصی از دولت نمی‌گیرند و بیشتر، دست‌شان توی جیب هوادار است. برای مثال، فصل گذشته بخش مهمی از هزینه‌های باشگاه از محل فروش سهام بورس به هوادارها به‌دست آمد. این دو تیم برای بستن بعضی قراردادهای نیز روی هواداران متمول ششان حساب باز می‌کنند. باشگاه‌هایی مثل هوادار یا تراکتور نیز به بخش خصوصی تعلق دارند. این در حالی است که حتی بخش خصوصی هم در فوتبال حرفه‌ای جهان ناچار است بین مداخل و مخارج خود توازن ایجاد کند، در غیراین صورت محرومیت‌های سنگین از راه خواهد رسید. چرا فوتبال ایران همچنان در این وضعیت دولتی گرفتار شده است؟ چرا فرمول خصوصی‌سازی در این فوتبال پیاده نمی‌شود؟ اساساً تفاوت لیگ پرتر ایران با لیگ‌هایی که کاملاً سروشکل خصوصی دارند، در چه چیزهایی است؟

نام تجاری یعنی کشک!

به‌طور کلی نخستین تفاوت بزرگ فوتبال ایران به لحاظ اقتصادی با فوتبال‌های پیشرو، در استفاده از نام تجاری شکل می‌گیرد. یک باشگاه معتبر خارجی، به شیوه‌های متفاوتی از برندی که برای خودش ساخته، درآمدزایی می‌کند. گاهی هم اجازه می‌دهد این برند، کمی عوض شود. برای مثال، خیلی از باشگاه‌ها اسم استادیوم اختصاصی‌شان را هم می‌فروشند اما در ایران نه باشگاه‌ها ورزشگاه اختصاصی دارند و نه شرکت‌ها آنقدر بزرگ هستند که اسم‌شان را روی استادیوم بگذارند. به‌طور کلی هر تصویری که از باشگاه پخش شود، باید آن باشگاه را صاحب درآمد کند؛ حتی تصویر بازیکن تیم در یک قرارداد تبلیغاتی شخصی. در ایران اما همه زور باشگاه‌ها برای استفاده از علامت تجاری، در تولید پفک و آب معدنی خلاصه شده و این طرح‌ها نیز معمولاً به سرعت شکست خورده‌اند. اینجا نام تجاری همان معنی را می‌دهد که علی پروین در مورد پست مدیر فنی گفته بود: کشک!



بازیکنان همیشه آزاد

مشکل بزرگ بعدی، در امضای قرارداد با بازیکنان نمایان می‌شود. در فوتبال ایران به‌ندرت تلاش شده تا بستن یک قرارداد حرفه‌ای آزمایش شود. در اروپا وقتی صحبت از رقم‌های سنگین برای جابه‌جایی بازیکن‌ها می‌شود، منظور رقمی است که یک باشگاه برای خرید یک بازیکن به باشگاه دیگری می‌دهد. در حقیقت هر بازیکنی که شما جذب می‌کنید، بخشی از ثروت و دارایی باشگاه‌تان به حساب می‌آید و اتفاقاً خیلی از باشگاه‌ها با رقم حاصل از فروش همین بازیکن‌ها به حیات‌شان ادامه می‌دهند. در ایران اما غالباً قرارداد بازیکنان یکساله بسته می‌شود؛ یعنی همین که فصل به پایان برسد، بازیکن آزاد خواهد بود تا مقصد بعدی‌اش را هم انتخاب کند. شاید باور نکردنی باشد اما فوتبال ایران از راه فروش ستاره‌هایی مثل طارمی یا سردار آزمون تقریباً هیچ درآمدی به‌دست نیاورده است! حتی در انتقال داخلی بازیکنان نیز به‌ندرت پولی رد و بدل می‌شود و همه چیز به‌خود بازیکن می‌رسد. شیوه درست ماجرا این است که با هر بازیکن، قراردادهای طولانی‌مدت بسته شود و قبل از رسیدن به فصل آخر، باشگاه در مورد سرنوشت آن بازیکن تصمیم بگیرد تا هیچ فوتبالیستی به‌صورت رایگان از تیم جدا نشود. بازیکنان در فوتبال ایران اما همیشه بازیکن آزاد هستند و بدون مزاحمت، تیم عوض می‌کنند.

ماجرای عجیب بلیت‌فروشی

همین چند وقت قبل بود که عبدالله ویسی فاش کرد تیم نفت از میزبانی پر تماشاگرترین بازی‌اش در این فصل فقط ۲۰۰ هزار تومان درآمد داشته است. چنین اتفاقی خجالت‌آور است؛ چراکه هیچ‌وقت شیوه دقیق و فرمول درست محاسبه درآمد حاصل از بلیت‌فروشی در این فوتبال پیاده نشده است. در اروپا باشگاه بیشتر بلیت‌های فصل را به‌صورت یک پکیج در شروع فصل می‌فروشد و پولش را خیلی زود به‌دست می‌آورد اما در ایران حتی پرشدن ورزشگاه هم باشگاه را صاحب رقم قابل توجهی نمی‌کند؛ چرا که شرکای زیادی در این مسیر برای هر تیم تراشیده می‌شوند.

حقوق ماهانه، حقوق هر از گاهانه!

یک تفاوت مهم دیگر بین باشگاه‌های ایرانی و خارجی، نحوه حقوق دادن به بازیکنان است. در انگلیس هر هفته به بازیکن حقوق داده می‌شود، در اسپانیا، آلمان و سایر کشورها نیز حقوق به‌صورت ماهانه پرداخت می‌شود اما در ایران باشگاه هر وقت اراده کند، می‌تواند پول بازیکن را بدهد. این مسئله نوعی تعارض را در فوتبال ایران نسبت به قوانین روز دنیای فوتبال به‌وجود آورده است؛ ماجرای که به بازیکنان و مربیان خارجی، فرصت خوبی برای فسخ یک‌طرفه قرارداد می‌دهد.

حقی که گرفته نمی‌شود

اگر فقط یک راه برای نجات فوتبال ایران وجود داشته باشد، آن حق پخش تلویزیونی است. در این صورت باشگاه‌ها نیز صاحب درآمد می‌شوند و صاحبان کسب و کارهای خصوصی برای خرید تیم‌ها اقدام می‌کنند. این هم یکی دیگر از تفاوت‌های فوتبال ایران با فوتبال روز دنیا به‌شمار می‌رود. اگر حق پخش در کار نباشد، خیلی از غول‌های دنیای فوتبال هم زمین می‌خورند و ورشکسته می‌شوند. آمار و ارقام می‌گوید در کشورهای صاحب فوتبال ۵۰ تا ۷۰ درصد درآمد باشگاه‌ها از محل حق پخش تلویزیونی تأمین می‌شود، در ایران اما این عدد «صفر» است و طبیعتاً در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار حرفه‌ای شدن واقعی فوتبال کشور را داشت.

جدول اعداد | ۴۵۲۸

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

			۲	۱	۴
			۷		۸
۶	۸				۱۹
۵		۹		۷	۴
					۲۳
۷	۱				
۳		۶		۸	۷
۵	۸		۱	۲	۳

۸	۴	۱	۸	۵	۷	۸	۵
۸	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۵	۷	۸	۴	۱	۵
۱	۷	۸	۵	۷	۸	۴	۱
۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸	۴
۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۸	۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸

سخت

۱	۸	۵	۷	۸	۴	۱	۵
۸	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸	۴
۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۸	۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸
۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸

متوسط

		۹		۴		۵	
۶		۱	۵			۹	
	۷		۹				
				۶	۸		۲
						۴	
	۵						
۱		۸	۷				
				۳		۶	
				۱	۷		۳
		۶		۹		۴	

سخت

سخت

		۲	۳			۸		
				۸			۱	۵
					۶			
۳		۷	۸					
۸					۹	۲		۴
				۶				
					۷			
۵	۳							
		۹			۱	۴		

متوسط

۴	۸	۵	۷	۸	۴	۱	۵
۸	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸	۴
۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۸	۴	۱	۷	۸	۵	۷	۸
۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸

ساده

جدول ۸۸۲۷

افقی:

- ۱- یافنده- آب صاف و گوارا-
- ۲- نظم و ترتیب
- ۳- صفتی برای خورشید- حرکتی در ژیمناستیک
- ۴- روشنی سرخ‌رنگ آسمان
- ۵- پس از غروب- پرنده‌ای وحشی- بی‌سر و صدا
- ۶- توبه‌کننده- جانشین اسم در دستور زبان- کوهی در مکه
- ۷- پایتخت باستانی مصر- نگهبان ساختمان- روحانی یهودی
- ۸- افسانه‌گو- بخشدگان- از وسایل پرواز در آسمان
- ۹- نمک- داروی خمیری- نوازنده ارزومند- خبر، آگاهی
- ۱۰- ورزشی هفت‌نفره- مرحله رشد کامل موجود زنده- خشود
- ۱۱- نمابر- شعله آتش- شرح‌دهنده
- ۱۲- حرکت بالای حرف- موردبند- میوه پاییزی
- ۱۳- ویژه- فلاکت و بدبختی- مقدار کمی از نوشیدنی
- ۱۴- بسیار مرغوب- شبیه و نظیر- پیروزی
- ۱۵- ماده معدنی مورد

- ۱- نیاز برای سلول‌های بدن- اختلالی در بینایی
- ۲- درست دانستن سخن یا عملی- صورتگر- لباس ملی پاکستان
- ۳- عمودی:
- ۴- جنازه- نامگذاری- بزرگواری
- ۵- از ورزش‌های گروهی- پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی- بوی رطوبت
- ۶- به ذهن افکندن- هنرمند معاصر و از بنیانگذاران هنر نقاشی خط در ایران
- ۷- جام جهان‌نما- درخت تسبیح- کانال تلویزیونی- بت عصر جاهلی
- ۸- چارندیشی- جوهر قلیا- نایاک
- ۹- پریشان- کامل کردن- مشگین شهر سابق
- ۱۰- تا نگرید طفل هرگز ننشود- زین و برگ اسب- نثر- ضمیر اول شخص مفرد
- ۱۱- چیزهای مخالف و مغایر یکدیگر- چهارپایان
- ۱۲- نفی عرب- مادر- مسافر سرزمین عجایب- همراه‌اتوار
- ۱۳- آسان- نمایی- گوارا باد
- ۱۴- تیراز- به‌سن بلوغ

- ۱- رسیده- یا میخ و تخته سروکار دارد
- ۲- شتر بارکش- ویرگول- سلطان جنگل- مشعل جوشکاری
- ۳- لقب جامی، شاعر نامدار قرن نهم- سترگ
- ۴- خیس- فیلمی ساخته دارن آرونوفسکی با بازی برندن فریزر- بردن حریف قبل از پایان وقت مسابقه در کشتی
- ۵- پهلوان تورانی- بوی خوش- کوچک

سخت

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	*
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	*
۱	۸	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۲	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵
۳	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱
۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۵	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۶	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵	۷
۷	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱	۵
۸	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴	۱
۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸	۴
۱۰	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷	۸
۱۱	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵	۷
۱۲	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱	۵
۱۳	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴	۱
۱۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۴
۱۵	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸